گزارش خبر
NEWSREPORT

کد خبر: ۵۳۴۷۸۲
جمعه ۵ تیر ۱۴۰۵ ۱۱:۳۸

یادداشتی از ناهید مظفری فعال رسانه فرهنگی اجتماعی

اَجَغِه؛ طنینِ اعتراضِ ناتمام در کویر سوگ

در تقویمِ عاطفیِ شهرِ بافق، آیین‌هایی ریشه دوانده‌اند که قرن‌هاست غبارِ زمان را کنار زده و اصالتِ خود را حفظ کرده‌اند. «اَجَغه‌زنی»، نه تنها یک آیینِ عزاداری، بلکه فریادی نمادین از اعماقِ تاریخ است؛ روایتی از همهمهٔ باطل برای خاموش کردنِ حق، که حالا در دستانِ عزاداران بافقی به سُنتی ملی و ماندگار بدل شده است.

به گزارش خبرنگار گروه جامعه و فرهنگ و هنر خبرگزاری گزارش خبر ، ناهید مظفری خبرنگار و فعال فرهنگی اجتماعی در اینر یادداشت آورده : در قلبِ تپنده فرهنگِ عامه بافق، میراثی نهفته است که گویی از حنجره قرن‌ها پیش سخن می‌گوید. آیین «اجغه‌زنی» که در سال ۱۳۹۵ با شماره ۱۳۰۶ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده، بیش از آنکه یک مراسم معمول باشد، بازسازیِ سکانسی تراژیک از واقعه عاشوراست.

به گفته وی روایت است که در میانه دشتِ نینوا، وقتی حقیقتِ مطلق در هیبتِ حسین بن علی (ع) برخاست تا با فصاحت و بلاغتِ نبوی، حجت را بر سپاهِ عمرسعد تمام کند، واهمه‌ای در دلِ ظالمان افتاد. سکوتِ حاکم بر میدان، می‌رفت تا وجدان‌های خفته سپاهِ شام را بیدار کند. عمرسعد که لرزه بر ارکانِ قدرتِ پوشالی‌اش افتاده بود، دستوری ننگین صادر کرد: «سنگ‌ها را بر هم بکوبید تا صدای پسر فاطمه (س) به گوش کسی نرسد!»

آن صدایِ گوش‌خراشِ سنگ‌ها که قرار بود «حق» را در هیاهویِ «باطل» گم کند، امروز در بافق به آیینی برای «به یاد آوردن» تبدیل شده است. مردمانِ این دیار، با هر بار به هم زدنِ «اجغه‌ها» (دو قطعه چوبِ گردِ تراشیده‌شده به اندازه کفِ دست)، گویی آن سکوتِ اجباریِ تاریخ را می‌شکنند و مظلومیتِ حسین (ع) را دوباره به گوشِ جان‌ها می‌رسانند.

عزاداران اجغه‌زن، با حرکاتی موزون و پرمعنا—که یادآورِ همان بالا و پایین پریدن‌هایِ سوگواران کهن است—چوب‌ها را چنان به هم می‌کوبند که صدایِ برخوردِ سنگ بر سنگ، در فضا می‌پیچد. این حرکتِ دقیق، ترکیبی از عزاداری و رزم‌نمایی است که به یادِ بزرگانی چون مرحوم «اصغر عابد» و مرحوم «حاج خلیل کارگران»، همچنان در جانِ این شهر زنده مانده است.

این آیین که پیش‌تر در روز عاشورا جلوه‌گر بود، امروز به همتی ستودنی در ایامِ اربعین و دهه‌یِ پایانی صفر، در کویرِ بافق تجلی می‌یابد تا زمزمه‌ای باشد بر این اشعارِ سوزناک:

«ای مهر به پیشِ مه‌رویِ تو ستاره

زخمِ تنِ مجروحِ تو افزون ز شماره…

برخیز که بردند ز سر معجرِ زینب

او با سرِ عریان و گروهی به نظاره…»

«اجغه‌زنی» در بافق، نه فقط یک صدایِ موسیقایی در عزای حسین (ع)، که پژواکِ ایستادگیِ حق در برابرِ هیاهویِ باطل است؛ آیینه‌ای که در آن، هنوز صدایِ امامِ مظلوم، از میانِ غبارِ تاریخ به گوشِ حقیقت‌جویان می‌رسد.